



مبارک ۷

نشریه روزانه پنجمین جشنواره بین المللی نمایش عروسکی تهران - یکشنبه بیستم شهریور ماه



تا جشنواره های دیگر



همه آمده بودند، از همه جا، از ارمنستان، چین، اسپانیا، بلغارستان، قزاقستان، یونان و از تهران، کرج، شیراز و... تا در جشن عروسکهای ایران شرکت کنند. هنرمندان آمده بودند تا یک بار دیگر جشن یونیسما را در کنار «مبارک» آذین بندی کنند.

هنرمندان با آخرین دستاوردهایشان در

پنجمین جشنواره تئاتر عروسکی حضور یافتند. اینان دست در دست عروسکانشان نه برای جایزه و عنوان که به قصد پیوند شادیسازان سراسر جهان آمده

به پایان آمد

این دفتر...

شب آخر، شب معیاد، شب گل دادن غنچه ی دیدار، شب زرف، شب پایان، شب صبح تجریه های ناب و...

شب گفتم که: بیدار، پا به پای ستارگان، درست کنار تخت کرشمه های شب مه که، ناز به شب می کسرد و طعنه به روز می زد.

گفتم: قلندران شب پای بیدار هوشیار که: از کوزه ی عشق آب می نوشند و در

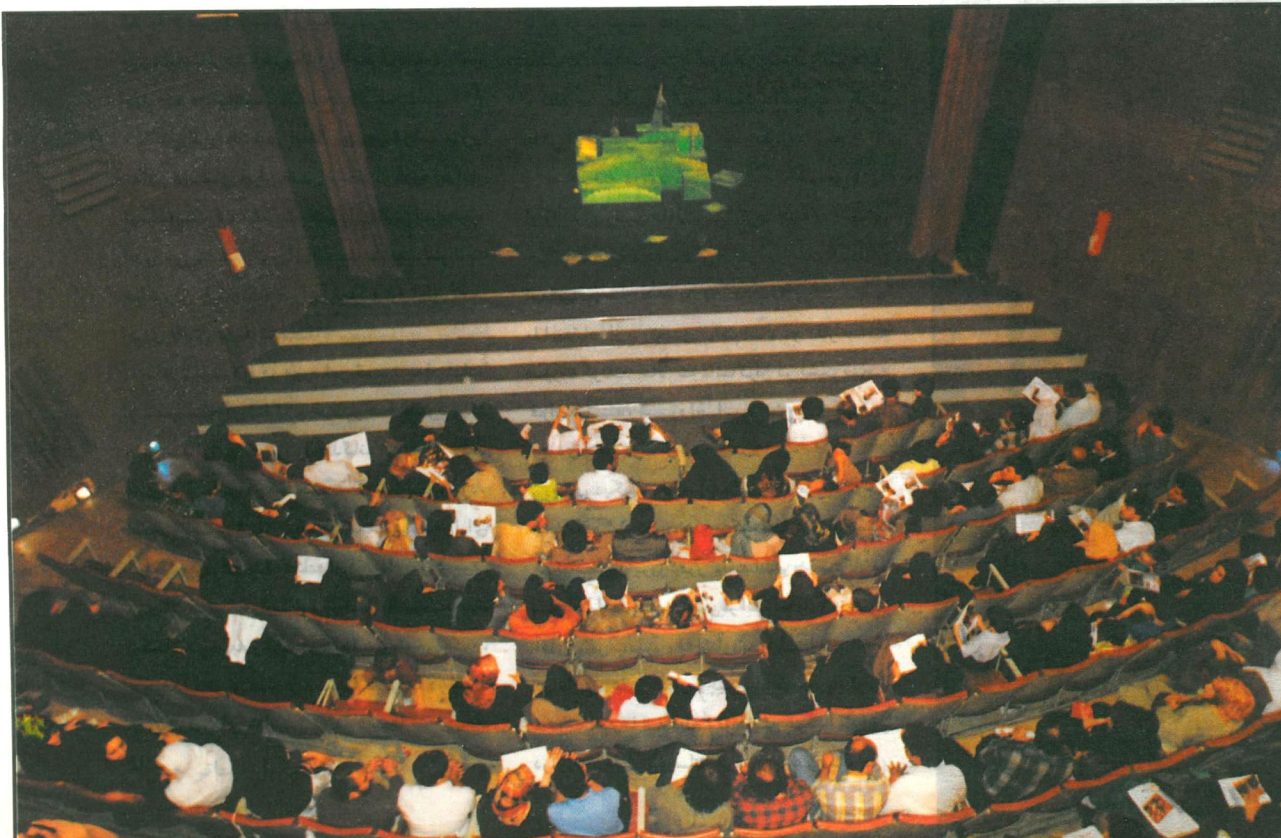
صور اسرافیل مهر، غزل عشق می دمند. حالا: کنار تو به آخر جشن عروسکان، این

رفیقان بیدار شب، به انتهای آخرین ستاره، ایستاده اند نظاره گر. تنها، فقط، همین مانده است و تصویر شب بیداری یاران که تلاش می کردند بوقع بولتن بسته شود و روانه چاپخانه گردد و در آنجا تلاشی دیگر تا صفحه سپید به رنگها جان بگیرد و واژه ها به رقص و ترانه درآیند.

هفت شب پای بساط عشق، قلم بدستان خوشنویس که شب را شکستند تا روز را فرا باز خوانند که:

تماشاگران بی صبرانه برای تحلیلی، نقدی با نظری و نمایشگران با شکیبایی، غره های یک تا شش بولتن را دنبال می کردند، این خوش غیرتانه منتظر، گاهی، بی آنکه دانسته باشند - اینان (بولتنیان) کیانند، خسته نباشید هم می گفتند: خسته دل نباشید.

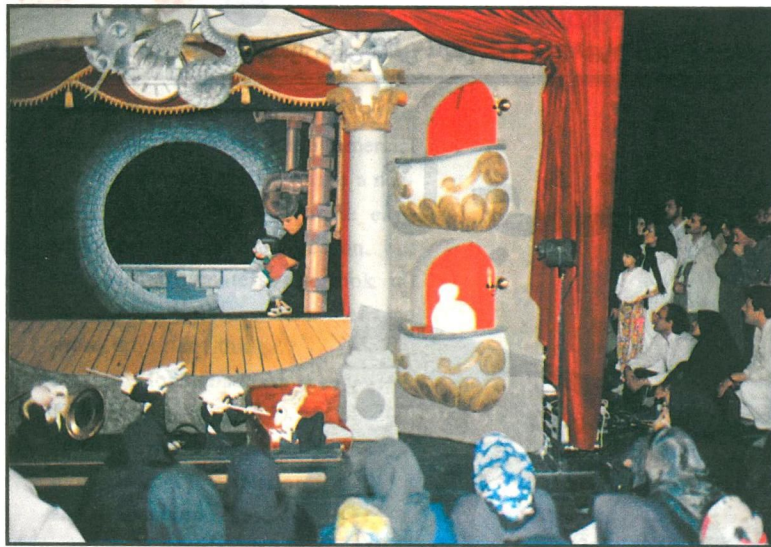
گفته بودم، گفته بودیم- هر کسی که باشیم با نام و بی نام، پاسدار رنج نمایشگران را داشتیم و خط علاقه و عشق دنبال کردن تماشاگران را، چه فرق دارد که کی بود، یا کجا ها، بودند که شب قلندری می کردند و روز رهروی و غروب در سالنها، تماشاگری. چه فرق دارد که هنر، عزیز کرده ی همه است- وقتی که بولتن آمد... ما اجر خود را گرفتیم. برویچه های حروفچینی، طراح، صفحه بند، خبرنگار نویس نقد نویس، گزارش نویس، چاپ کاران و... همه عمری به طول هفت شب مقدس، کنار هم بودیم، یار هم بودیم، همراه، همپای هم... و شب هم برآستی که (جوانشبی کرد) که بابا آمد تا قله صبح که به رخت





سالن را ترک کردند.

در سالن انتظار تالار وحدت از دکتر «قطب‌الدین صادقی» در مورد نقش تأثیر این گونه اجراها از نظر آموزشی پرسیدیم ایشان گفتند: «در اینگونه اجراها ما به جای اینکه شاهد اجرای رودرروی نمایش باشیم در پشت صحنه در جریان چگونگی اجرای آن قرار می‌گیریم. این به خودی خود خوب است و بچه‌های جوان ما دیدند که مواد مورد استفاده آن چنان پیچیده نبود و از اجزا بسیار ساده‌ای نظیر اسفنج، تخته، پارچه تشکیل می‌شد اما آنچه که به این مواد جان می‌داد، خلاقیت بود و اینکه چگونه با ساده‌ترین چیزها پیچیده‌ترین معانی را می‌شود ساخت. نکته دیگر، دیدن سکوت و نظم مقدسی بود که در اجرا مشاهده می‌شد نورپردازی، جابجایی دکور، عروسک‌گردانی و ... که بدون تداخل و اشکال انجام می‌گرفت. به نظر من جالب‌ترین برنامه جشنواره همین بود زیرا ما فقط شاهد همه اجرای نمایش نبودیم، شاهد اجرای تکنیک‌های مختلف به شکل عریان آن بودیم و البته این با وجود وسایل پیشرفته نورپردازی و ... به دست آمده است.»



میله بروی سن آمدند و با سرعت عمل و نظم که مشخصه کارهای چینی است به اجرای «رقص مارها» پرداختند، قسمت دوم یعنی «رقص روبان» با ظرافت و زیبایی که حاصل کار فوق‌العاده عروسک‌گردان و ظریف بود، پایان یافت، آخرین برنامه به اجرا درآمده در این جلسه «رقص شمشیر» نمایشگر حرکات رزمی و رقص بود و توسط دو عروسک‌گردان با هماهنگی ویژه ای اجرا شد.

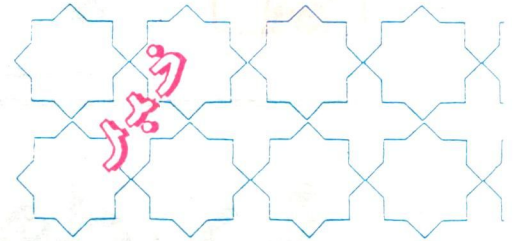
در پایان بار دیگر هر دو گروه مورد تشویق قرار گرفتند. و آقای غریب پور از حاضران تشکر و قدردانی نمودند. و تماشاگران راضی و خرسند

در فاصله اجرای این صحنه با صحنه بعدی آقای «غریب پور» از حضار درخواست کرد تا اگر تمایل به دیدن تمامی نمایش به شکل پیوسته را دارند فرصت سوال و جواب را به بعد اجرا اختصاص دهند که با موافقت جمع صحنه‌ها بدون وقفه به اجرا درآمد.

گروه اسپانیا در اجرای خود از عروسک‌های میله‌ای، نخ، سایه و ... استفاده نمود و طراحی صحنه به گونه‌ای در نظر گرفته شده بود تا کمترین حجم را اشغال کند و بسیاری از قطعات دکور چند وجهی بود مثلاً در پشت دکور مربوط به صحنه شب و ستاره‌ها، دکور دیگری نصب شده بود که به سهولت جمع می‌شد و در داخل سطح به کار رفته جای می‌گرفت. صحنه «مجرای فاضلاب» با تقسیم دکور به چند حلقه که در مجموع «پرسپکتیوی» از آن فضا را تشکیل می‌داد، تشکیل شده بود. این حلقه‌ها با نخ به داربست‌های ظریفی که در بالای دکور نصب شده متصل می‌شود ظرافت، سرعت عمل و نظم چشمگیری که بر اجرا حاکم بود سکوت حاکی از تحسین تماشاگران را به دنبال داشت.

در صحنه «ورود پسر بچه به لوله مواجی» که او را به زیرزمین هدایت می‌کرد. همه به دقت به حرکات ظریف و داستان ماهر عروسک‌گردانان اسپانیایی خیره شده بودند، نورپردازی این صحنه با استفاده از پروژکتور «اسپات» در کنار صحنه صورت گرفت. حالا که تماشاگران در پشت صحنه قرار داشتند، شیوه اجرایی نمایش برای آنها تا حدودی قابل درک تر شده بود.

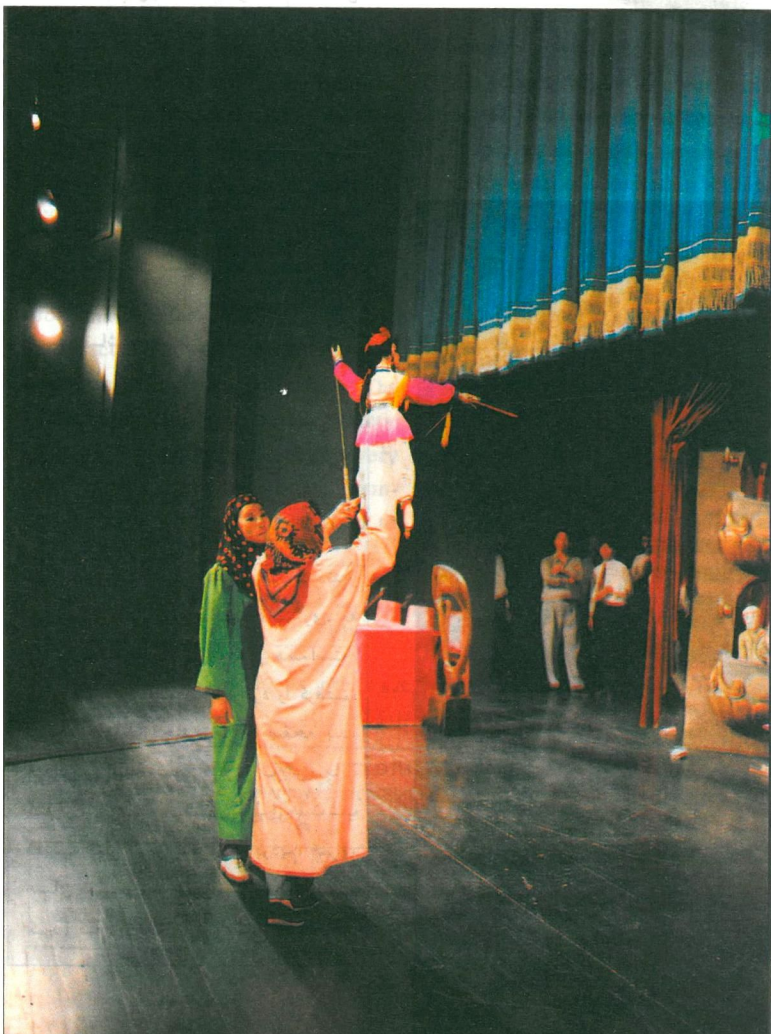
یکی دیگر از صحنه‌هایی که مورد توجه جمع واقع شد، صحنه «حرکت قطار» بود که باز هم توسط یک پروژکتور «اسپات» و دستگاه مه‌ساز به نمایش درآمد. پس از اتمام اجرای «ترنس» آقای «غریب پور» با اشاره به اهمیت بازی دهنده در نمایش‌های کشور «چین» از گروه «یانگجو» دعوت نمود تا سه قطعه از نمایش خود را به اجرا درآورند، چهار عروسک‌گردان با عروسک‌های



اجرای ترنس و یانگجو برای منتقدان، هنرمندان و مطبوعات

آموزش یک بحث همیشگی و یک رکن اساسی تئاتر و تئاتر عروسکی است. با توجه به فراهم نبودن امکانات کافی در جهت دیدن آثار جدید و تکنیک‌های نوین نمایشی جهان برای گروه‌های جوان و نیز شکل جذاب و تکنیک قوی در اجرای نمایش «ترنس» اجرایی آموزشی و تحلیلی از این کار با حضور اعضای یونیمای ایران، هنرمندان، میهمانان خارجی و خبرنگاران انجام گرفت. در این اجرا که در ساعت ۱۰ صبح روز سه‌شنبه ۱۹/۷/۷۳ برگزار شد، در ابتدا «بهرروز غریب پور» معاون یونیمای ایران ضمن تشکر از گروه اجرایی توضیح داد که قسمت‌هایی از نمایش به ترتیب اجرا می‌شود. و پس از هر صحنه به سئوالات حاضران پاسخ داده خواهد شد، و دقایقی بعد اجرای نمایش شروع شد.

خانم «فابیولا» در مورد این قسمت به استفاده از لامپ ماورای بنفش و فیلتر مخصوصی از جنس «هالوزن» که نوری چندگانه تولید می‌کند برای نورپردازی در صحنه ساعت اشاره نمود. صحنه بعدی پرواز پرنده در شب بود، که دارای طراحی ویژه‌ای با استفاده از فیبرهای نوری بود در بالا قرار داشت و نور را توسط یک «کنداکتور» به رشته فیبرها هدایت می‌کرد. بروی منبع نوری فیلتری نصب شده بود تا در شدت و رنگ نورهای هدایت شده در فیبرها تنوع ایجاد نماید.





تئاتر عروسکی را باور کنیم

با هنر مندان با هنر مندان

امیلیا پرودونوا (بلغارستان)
از ما به گرمی استقبال شد. اصلاً انتظار این استقبال و پذیرایی را نداشتیم. سمینار بسیار خوب است؛ ولی صحبتها برایمان نامفهوم است. زیرا با زبانهای مختلف آشنا نیستیم. اجراها بسیار خوب هستند؛ اما ما فقط موفق به قماشای یونان، اسپانیا و چین شدیم. درخصوص دیدن نمایشها متأسفانه وقت مناسبی برای ما پیش بینی نشده است و نمی توانیم از کارها به نحو مطلوبی بازدید کنیم. وقتی ما اجرا داریم گروه های دیگر هم همزمان اجرا دارند و بالطبع نمی توانیم با یکدیگر ارتباط برقرار کنیم. برنامه ها خیلی فشرده طراحی شده است.

نمایشهایی که ما دیدیم، کارهای خوبی بودند؛ به خصوص که نشان دهنده فرهنگ جوامع مختلف هستند. در مورد نمایشهای ایرانی ما فقط در فرهنگسرای نیاوران با آن آشنا شدیم و هنوز موفق به دیدن نمایشهای ایرانی نشده ایم.

ما از کل فستیوال، از ایران و مردم خوب آن بسیار ممنون هستیم؛ خصوصاً استقبال گرم آنها بسیار مورد توجه بود.

ثانیا ژکو

(بازیگر تئاتر دولتی شهر وارنای بلغارستان) گروه تئاتر ما به کشورهای زیادی سفر کرده است؛ ولی تا به حال ایران نیامده بود. آمدن ما به ایران ما را بسیار به وجد آورد و بی صبرانه منتظر این مسافرت بودیم؛ چرا که ما تقریباً با همه کشورهای علاقه مند به این رشته آشنا هستیم ولی با همکاران ایرانی آشنایی نداشتیم. واقعا از استقبال گرم شما خوشنود هستیم، با اینکه بارها به کشورهای مختلف سفر کرده ایم، اما تاکنون چنین استقبالی را ندیده بودیم. وقتی ما با یکدیگر شوخی می کردیم، می گفتیم: «تقریباً مثل يك هیات بلندپایه دولتی از ما استقبال شده است.» اصلاً انتظار نداشتیم مردم ایران این قدر با محبت و گرم و صمیمی باشند و این به دلیل عدم شناخت ما از آنهاست. اینجا تئاترهایی دیدیم که جای دیگری ندیده بودیم؛ مثل تئاتر چین.

چون هنوز در ایران بسیار جوان است. اگر گروه های موجود در ایران کارهای خودشان را به صورت پیگیر ادامه دهند، می شود تا سه یا چهار سال دیگر جشنواره به شکل مسابقه ای اجرا شود. در این صورت کارها و انتخاب و گزینش آنها با سلیقه و دقت بیشتری صورت می گیرد.

من در دو سه جشنواره بین المللی حضور داشته ام و کارهای زیادی

نمایشی به نام «آهای تو دیگه کی هستی؟» داشتیم. من ابتدا فکر کردم که محتوای نمایش را چگونه و با چه شیوه ای می توانم انتقال دهم، سپس دیدم تنها شیوه ای که می تواند محتوای خاص را انتقال دهد فقط تکنیک سایه است. از آن به بعد نمایش مذکور را براساس همین شیوه طرح ریزی کردم.

در همین جشنواره نمایشی مثل

تئاتر عروسکی یا زنده را ترجیح میدهد؟

من فکر می کنم هرکدام برای خودش جایگاه و ضابطه ای خاص دارد و بر حسب آن جایگاه داشته باشد. این گونه می تواند کاربرد داشته باشد. این گونه تقسیم بندی به هیچ عنوان صحیح نیست. هنر همانند زنجیره ای در هم بافته شده است و مهم تشخیص کارگردان در به کارگیری این دو شیوه است.



گفت و گو با «عادل بزدروده» کارشناس نمایش های عروسکی

دیدیم ام، باید برای دیگر گروه ها و علاقه مندان این چنین فرصتی مهیا گردد. وقتی هنرمندان عروسکی در چنین محافلی شرکت کنند بر آگاهی و تجربه شان افزوده می گردد و کارشان در سطح بالاتری قرار می گیرد و در آن صورت مسابقه ای بودن جشنواره معنا می دهد. امیدوارم بعد از اتمام جشنواره گروه ها رها نشوند و کارهایشان در کشورهای دیگر حضور پیدا کند. دیدن برای گروه های ما بسیار مهم است. خیلی از مسائل برای هنرمندان توسط دیدن، روشن می شود.

جشنواره بین المللی بسیار خوب و مفید است؛ اما باید يك جشنواره داخلی هم داشته باشیم و گروه های برتر و برگزیده انتخاب شوند و سپس امکانات مناسبی برای این گروه ها مهیا گردد، تا در آینده جایگزین پیش کسوتان این رشته گردند.

«ترنس» وجود داشت که تلفیقی از چند تکنیک مختلف را در برداشت. در تئاتر عروسکی نویسنده باید توجه کاملی به نوع کار و تکنیک مورد استفاده اش داشته باشد.

مشکل تئاتر عروسکی را در چه می بینید؟

مشکل زیاد است. باوراندن تئاتر عروسکی به قشر روشنفکر و هنرمند، کار بسیار مشکلی است. وقتی دوستان هنرمند ما به کاری دعوت می شوند، اکثر آنها معترض می شوند و می گویند: «چرا کار بچه ها؟!» متأسفانه این دیدگاه در بین هنرمندان ما وجود دارد. با این وصف ما از مردم عامی چه انتظاری می توانیم داشته باشیم.

نظرتان در مورد پنجمین جشنواره بین المللی چیست؟

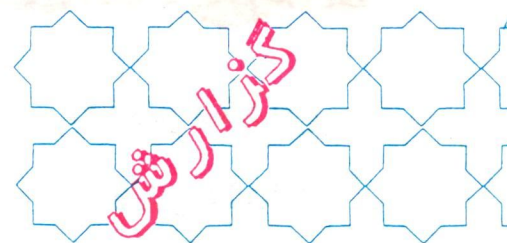
برای تئاتر عروسکی هنوز خیلی زود است که شکل مسابقه ای پیدا کند؛

شما چرا تئاتر عروسکی را انتخاب کردید؟

قابلیت تئاتر عروسکی به خصوص برای کودکان خیلی زیاد است. کارهایی را من به روی صحنه می برم دارای ویژگیهایی است که نمی شود توسط بازیگران زنده اجرا گردد، در واقع تکنیکهای عروسکی آنچه را که در ذهن من وجود دارد بهتر و شکیل تر نمایان می سازد. اعمالی وجود دارد که فقط مختص تئاتر عروسکی است. خلاقیت بدعت، و اعمالی که فانتزی در آنها حکمفرما است، باعث گردیده تا من جذب این نمایش شوم.

قدرت تئاتر عروسکی بسیار زیاد است و ابعاد گوناگونی را در بر می گیرد. تئاتر عروسکی با گستردگی شکل و محتوا قابلیت اجرایی برای بزرگسالان و کودکان را دارد.

بعضی از نمایشنامه ها براساس تکنیک خاصی نوشته می شود. مثلاً ما



شور و نشاطی تازه در فضای پارک ها

اجرای نمایشهای عروسکی شور و نشاط فراوانی بر فضای پارکهای تهران ایجاد کرده است. حتی مردمی که کمتر به پارکها می رفتند، این بار در کنار کوچولوهای خانواده پارکها را غرق شادی کردند. آنها آمده بودند تا از نمایشهایی که به مناسبت پنجمین جشنواره تئاتر عروسکی در آنها اجرا می شد، دیدن کنند هر گوشه را که چشم می اندازی کودکان و نوجوانان را می بینی که مشتاق و بی قرار کنار سالنهای نمایش منتظر شروع نمایشها هستند. استقبال فوق العاده است و صدای خنده و شادمانی آسمان پارکها را انباشته است. حرکت خوب اجرای نمایش در پارکها حرکت مثبت و سازنده ای است که تئاتر را به میان مردم و خانواده ها می برد، از اجرای نمایش در پارکها گزارشی تهیه کرده ایم که در زیر می خوانید.

پارک شهر

پلاکاردهای اعلان برنامه های جشنواره و جماعتی که در اطراف سالن ایستاده اند، اولین چیزهایی هستند که در پارک شهر به چشم می خورند. صدای ساز و آواز و صفیر عروسک به گوش می رسد، سالن مملو از جمعیت است و دیگر جایی برای نشستن باقی نمانده، عکاس بولتن دست به کار می شود و با دوربینش عکس می گیرد. جمعیت با شور و اشتیاق دست می زنند و نمایش را همراهی می کنند. عروسک های رنگارنگ در خیمه به رقص درآمده و سالن آکنده از شادی و خنده است. پا خیمه ای هم شعاری لهجه شیرازی می خواند هنوز از شتاب حرکت به سوی سالن رها نشده بودیم که نوازنده آهنگ را به پایان برد و خداحافظی کرد و از همه عذر خواست که اشعار را با لهجه خوانده است. جمعیت که حالا به اوج نشاط رسیده بودند، او و گروهش را به شدت تشویق کردند. در چشمان تماشاگران و به خصوص بچه ها می شد برق رضایت و

خوشحالی را دید، جلوتر می روم و از مردم در مورد نمایش جی جی باجی نظرخواهی می کنم اکثر قریب به اتفاق آنها از کار راضی هستند. مرد میانسالی که بچه اش را بغل کرده بود به من نزدیک شد و گفت: «آقا برنامه ها خیلی خوب است، اما بی نظمی و بی برنامهگی باعث ناراحتی ما می شود دیشب تا ساعت ۹ به اتفاق دخترم منتظر دیدن نمایش شدیم، اما گروه نمایش به سالن نیامده ولی به هر حال اجرای برنامه هایی به این شکل بسیار کار خوبی است و جای تشکر دارد.

مرد دیگری که با خانواده اش در حال خروج از سالن است و خود را مهندس ساختمان معرفی می کند می گوید: «اجرای نمایش کار بسیار خوبی است و من توانستم بچه هایم را راضی از سالن بیرون بیاورم. امیدوارم که این حرکت ادامه پیدا کند زیرا باعث خوشحالی بچه ها می شود.» از او تشکر می کنم می خواهم برای مصاحبه با گروه نمایشی به داخل سالن بروم که صدایی به گوشم می رسد: «آقا با من مصاحبه نمی کنی؟» می گویم: البته، خودت را معرفی کن و بگو چند سال داری؟

مهرداد نوری و ۱۲ ساله

می پرسم: اگر نمایش را دیده ای نظرت را بگو؟

می گوید: اسمش را نمی دانم ولی خیلی قشنگ بود، ویلن و عروسکها خیلی خوب بودند، نمایش «گلنگار» را هم قبلاً دیدم که آن هم عروسک گردانی اش خوب بود. اینها را می گوید و سپس خداحافظی می کند و می رود.

هوای خنک پارک روح انسان را جلا می دهد. در گوشه و کنار خانواده ها در پناه درختها و تپه ها بساط شامشان پهن کرده اند و عده ای دیگر چون ما به سوی محل اجرا روانند. کم کم روشنایی پروژکتورها و سروکله تماشاگران از لایبای درخت ها، هویدا می شود، میان بر می زینم

و از سینه تپه بالا می روم و ناگهان خود را به روی سکوی محل اجرای خیمه شب بازی می بینیم.

هنوز نمایش شروع نشده بود جمعیت بسیار زیادی در فضایی آکنده از رنگ و نور بر روی سکوها نشسته بودند و این نشانه علاقه مردم به «مبارک» و اشتیاق برای تجذیب دیدار با او بود. پس از چند دقیقه کم کم صدای اعتراض بچه ها که طرفداران اروپا قرص نمایش عروسکی هستند بلند شد و گروه نمایشی که خیمه را نصب کرده بودند هر یک بر سر جای خود قرار گرفتند و نمایش آغاز شد، حالا دیگر سکوها جوابگوی جمعیت نبود و عده ای برای بهتر دیدن به تخته سنگ ها، دکل های نورپردازی و زمین اطراف محل اجرا پناه برده بودند. استاد «احمد خیمه ای» داخل خیمه مشغول عروسک گردانی است و پسرانش در کنار خیمه به فضا جان بخشیده اند، عروسک ها یک یک معرفی می شوند سقا، سربازان، مبارک و... و جمعیت همراه با موسیقی دست می زنند.

با هر شوخی مبارک صدای خنده بچه ها بلند می شود و بزرگترها نیز دل به «مبارک» سپرده اند و در شادیهای کودکانشان سهیم اند. و نمایش رفته رفته پس از شیرین کاریهای عروسکها رو به اتمام است. جمعیت مشتاق پس از تشویق شایسته گروه اجرایی، بر سر دیدار عروسکها به طرف صحنه سرازیر می شوند. «همایونی» مسئول هماهنگی اجرای نمایش ها در این باره به ما گفت: «استقبال مردم از اجراها بی نظیر بوده است زیرا نمایش ها از نظر کیفی در سطح خوبی هستند. و بچه ها به راحتی با آنها ارتباط برقرار می کنند و ما هم با تمام توان در خدمت آنها هستیم.»

پارک ملت

به موقع به محل اجرای نمایش رویاه دم زنگوله که در ضلع جنوب غربی پارک «ملت» بود

رسیدیم در محوطه ای که شبیه به زمین بازی بود جمعیتی حلقه زده و اعضای گروه نیز در برابر آنها مشغول گرم، پوشیدن لباس و آماده کردن دکورها بودند و بچه ها کم سن و سال با علاقه گرداگرد بازیگران ایستاده و بعضی از آنها خوراکی هایشان را به گروه تعارف می کردند، صدای موسیقی شاد و ریتمیک که در فضای پارک پیچید باعث شد تا نظر آنها را به مشغول بازی بودند به سوی نمایش جلب شود در پشت صحنه که البته چندان هم از چشم مردم دور نبود بازیگران نقش رویاه و شغال و... خوردشان را گرم می کردند هر چند با وجود لباس های کلفتی که به تن داشتند به خودی خود عرق بر پیشانیهایشان نشسته بود، بالاخره گروه در صحنه ای که با طناب از قاشاگران جدایی شد نمایش را آغاز کردند و جمعیت نیز با موسیقی و سوال و جوابهای آنها همراه شدند، فضایی شاد که برای خیلی ها تعجب برانگیز و جالب بود، نمایش ادامه داشت و ما ترجیح دادیم تا با کارگردان آن به دلیل مشغله زیاد مصاحبه ای نکنیم؛ اما مردم همه راضی و شاد بودند.

به خصوص اینکه بازیگران در میان جمعیت بودند و به سوالات کنجکاوانه تماشاگران خردسال فی البداهه پاسخ می گفتند، در اواسط اجرا گروه دیگری از بچه ها که تازه از نمایش باخبر شده بودند در اطراف محل اجرای نمایش حلقه زدند و کنجکاوانه به قاشا پرداختند حالا بزرگترها هم رفته رفته تعدادشان بیشتر می شد و بعضی ها هم بچه های کوچکشان بر دوش گرفته بودند تا بهتر ببینند زیرا حلقه استقبال تماشاگران مانع از دید دیگران می شد و اینجا هم بار دیگر حضور نمایش و نمایشگران سبب شد تا همه دمی از خود فارغ شده و به دنیای تخیل و شادی قدم بگذارند. و همگام با بچه ها به شادمانی پردازند. اجرای نمایش در پارکها حرکت ارزشمندی است که امیدواریم تداوم یابد.



رضازاده کارگردان نمایش پری مردم و نمایش پری

نمایش متن خنوبی داشت. بداهه سازیهای بازیگران بسیار زیاد بود تا جایی که ملال آور می شد. تکیه بر فاصله گزاریها نمایش را لوس می کرد و مجموع این مشکلات باعث گردید تا تماشاگر در فاصله آنتراکت نمایش را رها کند هدف اصلی کارگردان خندانندن تماشاگر بود؛ اما راه و چاه آن را نمی دانست.

مجید اکبری (هنرجو)

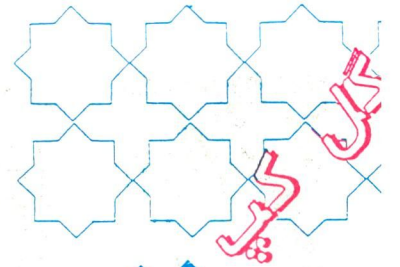
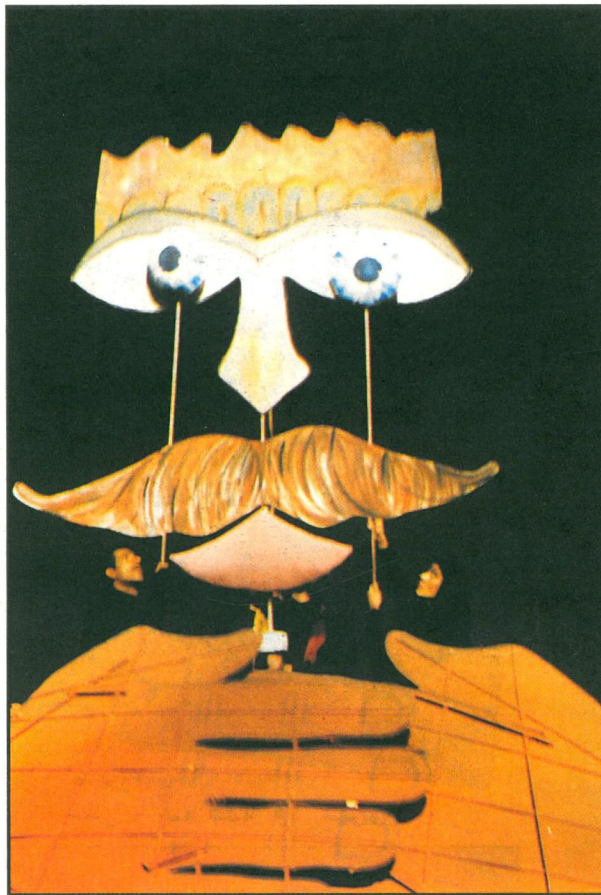
تکنیک خوبی را در کار ارائه داده بود؛ اما محتوای نمایش زیاد پربار نبود. طولانی بودن نمایش تا این حد هیچ لزومی نداشت. نمایش را می شد در سه ربع تمام کرد.

احمد مهدی (نویسنده و کارگردان تئاتر)

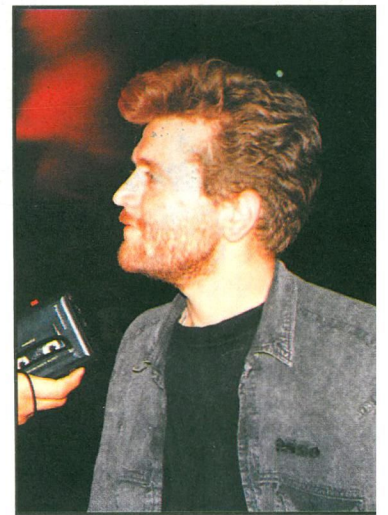
نمی دانم این نمایش چگونه انتخاب شده است. فرم زننده و مطالبی که ارائه می شد اصلا برای جشنواره مناسب نبود. محتوای کار بسیار ضعیف و کم بهاست.

رسول نقوی (هنرجو)

بیش از هر چیز عروسکها برایم جالب بود. به کارگیری عروسکها به این شیوه کار را جذاب می کرد؛ اما رفته رفته این جذابیت به دلیل تکرار موقعیتهای مشابه از بین می رفت. زمان طولانی کار و عدم هماهنگی و یکدستی تماشاگر مشکل اساسی ای را شکل داده بود.



با هنر مندان...
گفتگو با مهدی رضازاده



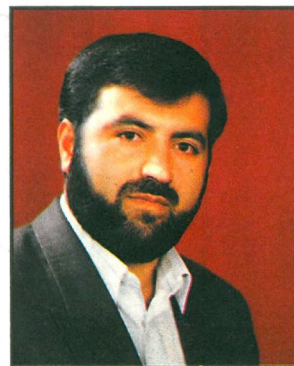
معاصر دیده می شد تا چه حد معتقد به استفاده از داستانهای کهن هستند؟
□ به این حکایات بسیار وابسته ام.
○ نیاز تئاتر عروسکی کشور را در چه می بینید؟
□ بیش از هر چیزی تفکر و خلاقیت و دانش باید مدنظر قرار گیرند تا بتوانند سبب ارتباط و ارائه مفاهیم شوند.

○ ضمن معرفی خود بفرمائید با چه نمایشی در جشنواره عروسکی شرکت کرده اید؟
□ «مهدی رضازاده» هشتم و با نمایش «پری» در جشنواره حضور دارم
○ جشنواره را چگونه ارزیابی می کنید؟
□ جشنواره خوبی است، اما مشکلاتی دارد که بیشتر به برنامه ریزی آن برمی گردد.
○ درکار شما تلفیقی از قصه های قدیمی و

می کنید؟

○ جشنواره میدان محک تجربه هاست. زمان برای کسب تجارب مختلف بسیار کم است، پس باید از چنین فرصتهایی حداکثر استفاده را به عمل آورد.

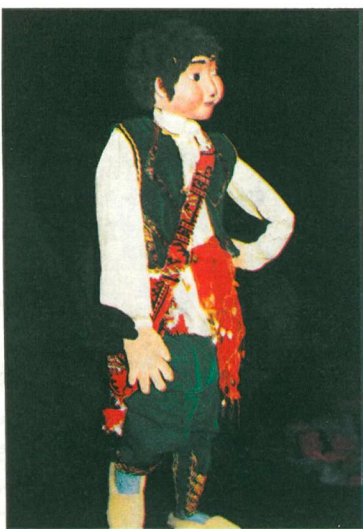
در دنیای زیبای عروسکها همه چیز به راحتی اتفاق می افتد؛ تمام «نشدنی ها» شدند است. البته نه به سادگی کلام؛ بلکه با زحمت و تکنیک و تجربه، عروسک یک شی بی جان با چشمان بی فروغ با کلام یک نویسنده و با بازی یک عروسک گردان جان می گیرد و محبوب مخاطبش می شود. جشنواره امسال کمی بی سروصداست؛ آرام و شاید متین. تبلیغات بسیار محدود رسانه ها جشنواره را بسیار کم رنگ کرده است.

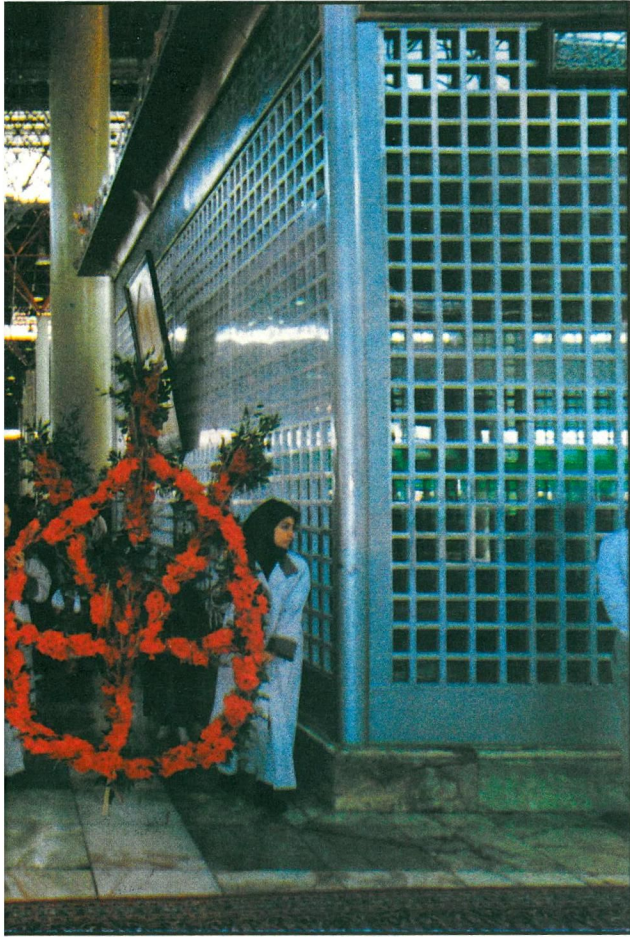


با نویسنده و کارگردان نمایش افسانه گلبانو لطفعلی توده فلاح

□ از خودتان و نمایش «افسانه گلبانو» برایمان بگویید.
○ دانشجوی سال سوم دانشکده هنرهای زیبا هستم و در حال حاضر مسئولیت هنرهای نمایشی ارشاد اسلامی کرج را به عهده دارم و نمایش را براساس یکی از افسانه های کهن ایرانی نوشته ام.
□ از سبک و سیاق نمایشتان برایمان بگویید.
○ سبک نمایش «بن راکو» است.

شخصیتهای نمایش ما دارای حرکات و جست و خیزهای ویژه ای هستند که بهترین شیوه برای انتقال اندیشه ها را در این شیوه دیده ام. اگرچه «بن راکو» شیوه ای پیچیده و مشکل است؛ ولی برای من جالب و دوست داشتنی است.
□ جشنواره پنجم را چگونه ارزیابی





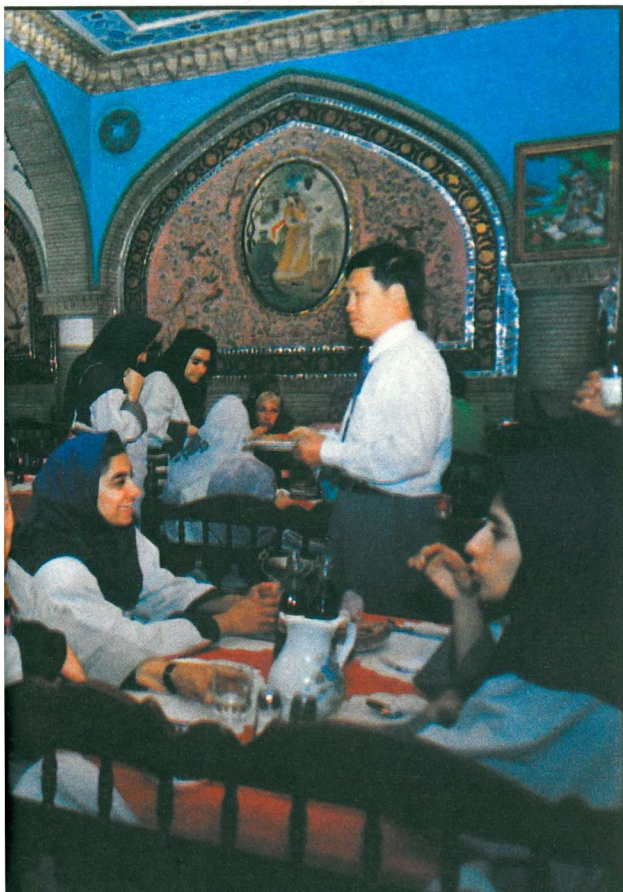
آغاز جشنواره- گلباران مرقد مطهر بنیانگذار جمهوری اه



صاحبه با رسانه های گروهی - چهارشنبه ۹ شهریور
برگزاری سمینار بین المللی جایگاه تئاتر عروسکی - سه شنبه ۱۵ شهریور



قبل از جشنواره - در تدارک برنامه ها - جمعه ۱۱ شهریور



میهمانان در قوه خانه سنتی آذری - چهارشنبه ۱۶ شهر



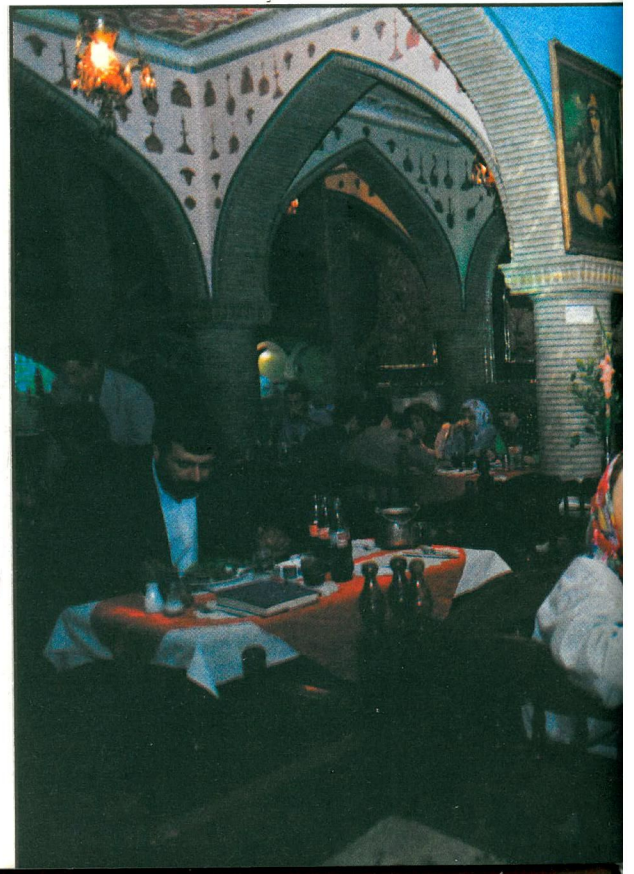


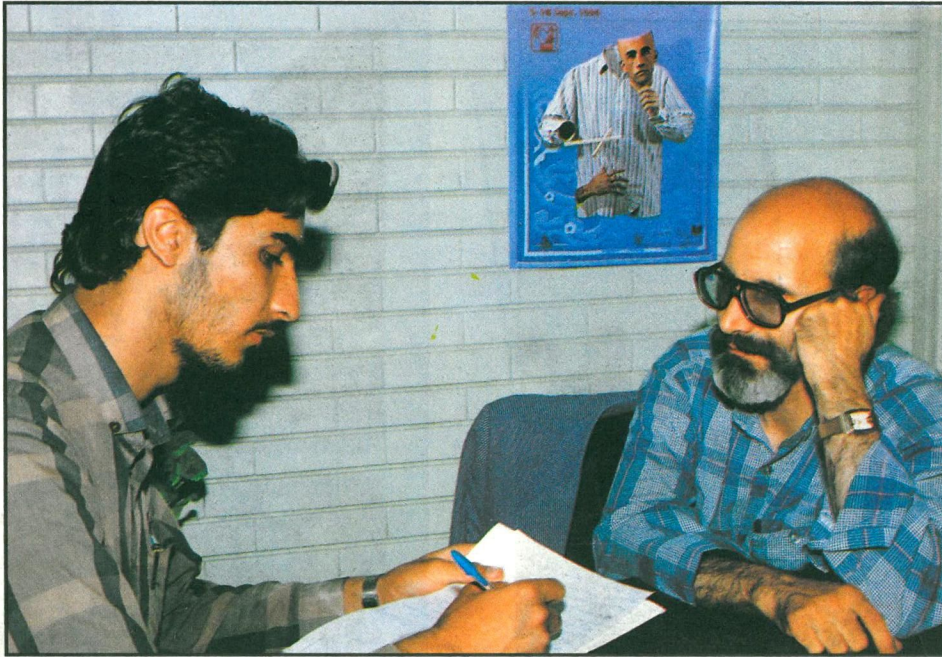
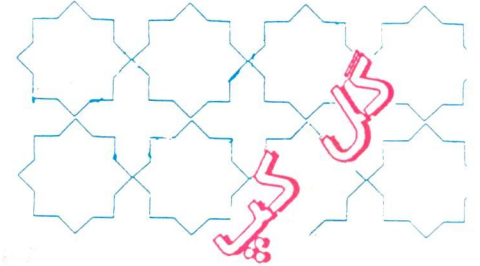
دیدار با «دکتر لاریجانی» رئیس سازمان صدا و سیما - سه شنبه ۱۵ شهریور



ایران - دوشنبه ۱۴ شهریور

اجرای نمایش سنتی سیاه بازی - موسیقی ایرانی - فرهنگسرای نیاداران چهارشنبه ۱۷





از سیاه تا نمایش عروسکی خیمه شب بازی

نمایش عروسکی است که در شکل گرفتن و ریشه آن بخشهای بی شماری شده است. عده‌ای ریشه آن را در ایران و عده‌ای دیگر ریشه آن را در جایی دیگر جستجو و ابراز داشته‌اند. بهر حال حل آن مشکلی را برطرف نمی‌کند. عروسکهای خیمه‌شب بازی با تعداد اندکی نخ، تکان می‌خورند و به دلیل تعداد کم عروسکها و قابلیت فیزیکی عروسکها حرکت در آن کم به چشم می‌خورد؛ این خصوصیات و شکل و شمایل، مختص نمایش عروسکی خیمه‌شب بازی است و اگر چنین نباشد چیزی دیگری است. هرگونه تعبیر در شکل و هدایت و سبک و سیاق اجرایی شکل خاص آن را از بین می‌برد. بکارگیری صغیر (صدایی که عروسک مبارک دارد) از همین موارد است. اگر صغیر حذف گردد ارتباط مرشد و عروسک از بین می‌رود، و در نتیجه ارتباطی که مرشد با قاشاگر برقرار می‌کند خدشه دار می‌شود.

خود مرشد که از عناصر مهم خیمه شب بازی است و موسیقی نواز هم است چنانچه کنار برود خیمه شب بازی آسیب می‌بیند. اپیزودیک بودن خیمه‌شب بازی از خصوصیات دیگر این نمایش است. خصوصیات بی شماری در این گونه نمایش موجود می‌باشد که ذکر و توضیح همه آنها در این مجال نمی‌گنجد.

● برای حفظ و ترویج این گونه



آنها را به یک شکل و جمود مبدل سازد به عروسک و همانندسازی متوسل می‌شود. شیطان هیچ شکل ظاهری‌ای در هیچ جا از خود بروز نداده است؛ اما انسان براساس تفکراتش از آن هیبتی ساخته است؛ همچنان است دیو، اژدها ...

در نمایشهای عامیانه گذشته ما این مسائل به چشم می‌خورد. اصولاً متوسل شدن به این جور اشکال یک نیاز بوده، برای آنکه بشر بتواند حرقهای خود را مطرح کند و افکارش را تجسم ببخشد. در بخشی از آیینهای سنتی ما از جمله «کوسه‌برنشین» آنجایی که جمجمه خر یا گاو را به دست میرنوروزی می‌دهند به نوعی استفاده از ماسک و مجسمه مطرح می‌شود.

● مرکب بودن و ترکیب تئاتر سنتی و عروسکی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

■ اساس دو نوع ذکر شده بر «نمایش دادن» است. طبیعتاً این تلفیق امکان پذیر است و امروزه می‌توان از آن استفاده کرد. در قصه «باغ زال زالک» من از همین روش در قسمتی از آن استفاده کرده‌ام. عروسکی ساخته می‌شود و سیاه آن را طوری وارد صحنه می‌کند که انگار غلام و ارباب هستند و ... وقتی اساس «نمایش دادن» باشد نه واقع‌گرایی محض، همه‌اینها ممکن می‌شود؛ مشروط بر منطقی بودن و تاثیرات مفید و مثبت.

● در خصوص نمایش عروسکی خیمه‌شب بازی و تغییر و تحولات و روند آن برایمان بگویند؟

■ خیمه‌شب بازی یکی از اشکال

● ماسک و عروسک در نمایش چه کاربردی دارد؟

■ در نمایشهایی که جنبه افسانه‌ای و تخیلی دارند ما می‌بینیم که ماسک و عروسک راه پیدا می‌کند. تعزیه «سلیمان و بلقیس» از آن جمله است.

با توجه به اینکه حضرت سلیمان زبان همه حیوانات را می‌دانست و حیوانات با او در ارتباط بودند (مثل هد هد) حیوانات لزوماً می‌بایست در صحنه ظاهر می‌شدند و بالطبع حضور آنها با هیبت و شکلی عروسک‌گونه یا همراه با ماسک و گریم خاص انجام می‌پذیرفت؛ یا دویی که انگشتر حضرت سلیمان را می‌دزدد با ماسک و گریم خاص است و همچنین است حضور شیر در تعزیه. تعزیه «آدم و حوا» آنجا که قرار است کلاغ چیزی را خاک کند و به قابیل آموزش دهد استفاده ماسک و عروسک حس می‌شود. در نمایش دیگرکه بازیگران مجبورند همزمان چند نقش را ایفا کنند باز ماسک مورد استفاده قرار می‌گیرد. در نمایشهای تخت حوضی که جنبه افسانه‌ای دارد و حضور دیو و حیوانات را می‌طلبد، استفاده از ماسک و گریم را شاهد هستیم. در مجموع با توجه به سوژه و مضمون کار، استفاده از دو مفرقه ذکر شده بی شمار رخ داده است. پیش پرده‌ها و یا تک پرده‌ها مثل «الاغ سوار» از همین تکنیک بهره برده‌اند.

● تئاتر عروسکی اساساً به چه انگیزه‌ای به وجود آمده است؟

■ طبیعتاً وقتی که انسان می‌خواهد به یکی از تصوراتش تجسم عینی ببخشد و

« داوود فتحعلی بیگی » متولد سال ۱۳۲۹ و فارغ‌التحصیل دانشگاه تهران در رشته تئاتر است. وی چند سالی معاون مرکز هنرهای نمایشی بوده است و هم‌اکنون مسئولیت تالار محراب و کانون نمایشهای سنتی، آیینی را به عهده دارد. به عنوان بازیگر و کارگردان نمایشهای بی‌شماری از جمله سلطان مبدل، الماس چاقو فروش، میزرا عبدالطعم، چشم تنگ، ننه غلامحسین و ... را به روی صحنه برده است و در حال حاضر دو نمایش با نامهای «نوزده غلام و نوزده کاسه» و «قصه درخت زال زالک» را آماده اجرا دارد. در خصوص نمایشهای تخت حوضی و تعزیه تحقیق‌های بی شمار دارد که در مجلات و کتب مختلف به چاپ رسیده است. وی دبیر پنج دوره جشنواره تئاتر سنتی، آیینی بوده است سرپرستی چند گروه ایرانی که به خارج سفر کرده‌اند را به عهده داشته است. به بهانه پنجمین جشنواره بین المللی تئاتر عروسکی گفتگویی را با وی انجام دادیم که در پی می‌خوانید:



نمایشها چه باید کرد؟

■ برای اینکه این نمایش بتواند ادامه حیات بدهد یا در جهت تکاملی قدم بردارد لازم است حداقل کل تجربیات گذشتگان را حفظ کنیم تا بعد بتوانیم راه را ادامه دهیم. افرادی که هم اکنون کار خیمه شب بازی را دنبال می کنند و اجراهایی دارند نسبت به این نمایش یا بی اطلاع هستند یا آشنایی آنها اندک است؛ نتیجتاً در مورد خیمه شب بازی موفق نشده یا در سطح ابتدایی و کم بها می مانند و ... دقیقاً همین مشکل را ما در مورد نمایشهای تخت حوضی داریم. به دلیل کم شدن راه و تجربه گذشتگان و فوت پیش کسوتان نمونه زنده و الگو نمی یابیم. تعزیه، تخت حوضی و خیمه شب بازی هیچکدام به شکل مدونی مکتوب نشده اند. باید اصول و مبانی این اشکال به شکل مکتوبی تحریر شود. به عنوان مثال عروسک گردان و عروسکها که به صحنه می آیند کار مشخصی دارند. رفت و آمد آنها کار ویژه ای دارند... الخ. باید تمامی این شگردها و بکارگیریها مکتوب شوند. در یک دوره گفته می شود بیش از ۱۲۰ عروسک در قالبهای متفاوت خلق شده است ولی به دلیل عدم بکارگیری صحیح و عدم مدون شدن کم کم تعدادی از آنها به دست فراموشی سپرده شد. باید اصول و مبانی درام نویسی را استخراج کرد و قوانین و

قواعد اجرایی خیمه شب بازی را در قالبی شناخته شده ضبط کرد. البته بخشی از این جنبه ها قابلیت ضبط و مدون شدن ندارند؛ مثلاً حرکات دو عروسک کوچک و بزرگ باید حضوراً لمس شود و باید زنده برگزارد گردد تا آن را بتوان درک کرد. باید پیش کسوتان را به کار گمارد و آموخته های علمی و تجربی آنها را به جوان ترها منتقل کرد و به تدریج در بین علاقه مندان ترویج و تعمیم داد اگر این پیش کسوتان دار فانی را وداع گویند خیمه شب بازی هم خواهد مرد؛ مثل بسیاری از نمایش واره های ایرانی که به دست فراموشی سپرده شده اند

سیاه در خیمه شب بازی و نمایش تخت حوضی چه ویژگیهایی دارد؟ سیاه خیمه شب بازی با سیاه تحت حوضی مشابهت ها و تفاوت هایی دارد. تفاوت عمده آنها در زنده و عروسکی بودنشان است. طبیعتاً امکانات بدنی سیاه در دو شکل ذکر شده متفاوت است. در تخت حوضی یک انسان ایفاگر نقشی است ولی در نمایش عروسکی خیمه شب بازی عروسک و عروسک گردان نقشی را ایفا میکنند. در تخت حوضی سیاه همه کارهای خود را انجام می دهد ولی در خیمه شب بازی مرشد و سفیر و ده ها عنصر دیگر وجود دارد و... اما در مجموع تأثیرهایی هم از یکدیگر گرفته اند. طنزها و

خوشمزگی های این دو شکل کاملاً شبیه است، مخصوصاً سیاه تخت حوضی در شیراز بسیار به مبارک خیمه شب بازی نزدیک است.

نظراتان در مورد پنجمین جشنواره بین المللی چیست؟

مسابقه ای بودن یا نبودن هم تأثیر مثبت دارد هم منفی. مسابقه انگیزه ای برای آدمهای ورزیده و مجرب را موجب می شود؛ اما از طرفی عوارضی را در بردارد. بعضی ها رای هیات داوران را وقتی به نفع خود نمی بینند معترض می شوند حتی گاهی سرخورده می شوند. بین المللی بودن بسیار مفید است. ما در نمایش عروسکی مدرن شدیداً به تجربیات دیگران نیازمندیم. در نمایش عروسکی قلمرو تخیل بسیار باز است و به تعداد آدمهایی که می توانند کار عروسکی کنند می توان کار تازه دید و این جشنواره فرصت بزرگی برای دست اندرکاران تئاتر عروسکی ایران است تا تجربه ها را دیده و حلای کنند. از سویی دیگر گروه های خارجی نیز از دست آوردهای ما مطلع می شوند و انعکاس جهانی آن نمود می نماید. رابطه انسانی در این جشنواره مهم است همه تلاشها مقبول اما از ورای اینها خیمه شب بازی راه به جایی نخواهد برد مگر استفاده از پیشینیان و انتقال و مکتوب کردن آنها و انتقال به جوانان صورت گیرد.

«از آدم تا آدم» و دیدگاه مردم

علی سلحمانی - دانشجوی تئاتر
اجرای قبلی این کار را دیده بودم. کار کاملاً نو و بدیع بود. فکر می کنم فضای کار با فضای تمام نمایشهای ایرانی فرق می کرد موسیقی بسیار مناسب و هم گونی در نمایش دیده می شد.

مجید آقا کریمی - هنرجوی تئاتر
مردمی که دیدشان الآن روی «کلاه قرمزی» متمرکز شده وقتی این کار را نگاه کنند، می گویند این کار «عروسکی» نیست.

.....
فقط به تکنیک محض و ناآشنا مسلح بود. محتوا و درونمایه از بین رفته بود. مدرنیسم را مدنظر داشتند. اصلاً به ریشه های تئاتر عروسکی توجه ندارند و فقط خود را درگیر اشکال کرده بودند. در این خصوص خیلی باید صحبت کرد.

ناصر آریوه - هنرجوی تئاتر
کار به لحاظ شیوه اجرایی بسیار قشنگ بود. نمایش «بن راکو» بود اما عروسکها حالت نوری داشت. من فکر می کنم برای اولین بار است که چنین کاری اجرا می شود. از لحاظ محتوا هم بسیار قوی بود. یکسری مسائل فلسفی را مطرح می کرد و از ابتدای خلقت و آفرینش سخن می گفت و کم کم شعور آگاهی را با آفرینش اولیه در هم می آمیخت. موسیقی در نمایش بسیار هماهنگ عمل می کرد

حمید رضا نعیمی - دانشجوی تئاتر
کار بسیار قشنگ بود. واقعاً گذشت زمان را احساس نمی کردیم.

علی یازرلو - دانشجوی تئاتر
در نوع تکنیک ایرانی بسیار خوب بود. در حد امکانات بسیار محدودی که در کشور ما وجود دارد بسیار شکیل اجرا شده است. موسیقی بسیار هماهنگ عمل می کرد و فضا و موقعیتهای خاص را شکل می داد؛ اما باید بر روی متن، بیشتر از این کار صورت بگیرد. مسئله آفرینش محتوایی دیرینه و پیچیده دارد.

علیرضا جهانگیری
اجرا خوب بود. کار با تعداد معدودی المان بسیار خوب و شکیل اجرا شد. پیشرفت و چرخه تبدیل یک انسان بدوی و تعالی و موقعیت برتر، بسیار سریع صورت می گرفت. زمان بیشتری برای طی کردن این مراحل نیاز بود.





گفتگو با پروفسور «روبن» ماروخیان» سرپرست گروه ارمنستان

- با چه نمایشی و از چه کشوری در جشنواره شرکت کرده اید؟
- «روبن ماروخیان» هشتم و از کشور ارمنستان به عنوان سرپرست و مسئول هنری با نمایش «خروس شجاع» به ایران آمده ام.
- در مورد نمایش توضیح دهید؟
- نمایش نوشته «هوانس تومانیان» نویسنده مشهور ارمنی است. که با استفاده از رنگهای متنوع و عروسکهای جذاب به روی صحنه می آید
- آیا نمایش های جشنواره را دیده اید؟
- متأسفانه در نمایش را بیشتر ندیده ام یکی «ترنس» که بسیار عالی بود و دیگری نمایش «خمسه شب بازی» از ایران که ماهیتی کاملاً تئاتری داشت. اما بعنوان پیشنهاد بهتر است که علاوه بر جذابیت به فکر آن باشند نمایش را امروزی تر کرده و به شکلی نو آن را اجرا کنند.
- آیا نمایش شما یک اثر سنتی است؟
- خیر ما در ارمنستان تئاتر سنتی به آن شکل نداریم. اما تئاتر حرفه ای ما حدود ۶۰ سال قدمت دارد.
- چه پیشنهادی برای بهتر برگزار شدن جشنواره دارید؟
- برنامه ریزی به شکلی باشد که امکان دیدن آثار دیگر فراهم باشد و امکان دیدار و تجزیه تحلیل فراهم آید چون همین تبادل نظرهایست که رهگشای افق های جدید می شود
- جشنواره چه نقشی در ایجاد دوستی و تفاهم بین ملل دارد؟
- نمایش عروسکی ناجی دنیاست، زیرا بین انسانها لطف و محبت تقسیم می کند. ما بچه ها را تربیت می کنیم آنها رشد می کنند، باهم آشنا می شوند و ملت ها را تشکیل می دهند

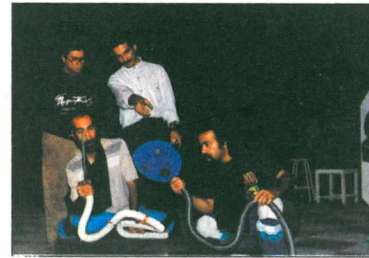
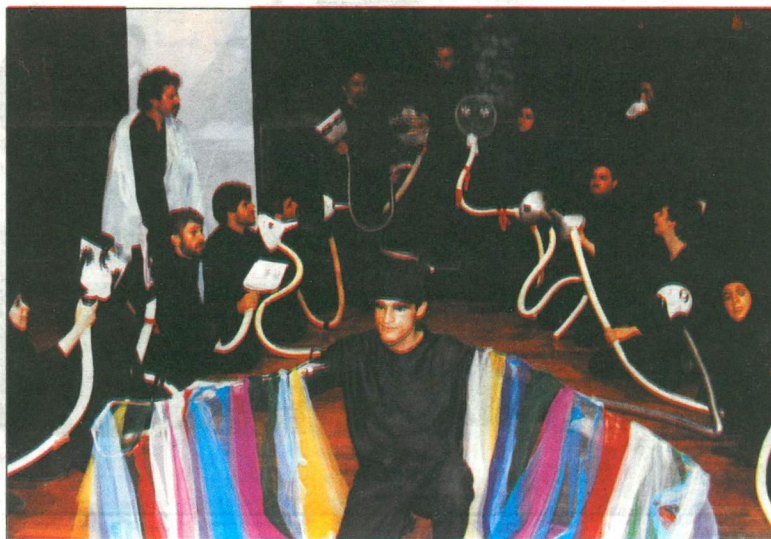
فقدان هنرمند گرامی فرهنگ مهر پرور
را به جامعه هنری ایران تسلیت می‌کنیم.
یادش گرامی باد

چوب خیلی سریع به يك اسب، کشتی و... تبدیل می شود. نمایش عروسکی می تواند حوزه های گسترده ای از داستان را تحت پوشش قرار بدهد، چون عروسک این قابلیت را دارد که در هر لحظه هر کاری را انجام دهد (راز عروسک). استفاده از تکنیک عروسکی در واقع استفاده از خاصیت دوران کودکی است. خاصیتی که می تواند کاربردی برای بزرگسالها داشته باشد.

□ در مورد تکنیکهای اجرایی نمایش عروسکی کدامیک بر دیگری ارجح است؟
○ هیچکدام ارجح نیست. همگی امکانات و ابزار است. شیوه های دستکشی، سایه ای، سیمی، بن راکو و... هر کدام قابلیتهای ویژه ای دارند. در هر کدام از این شیوه ها بازیگر امکانات خاصی پیدا می کند؛ باید دید کدام تکنیک می تواند فضای متن نمایشی ما را بیشتر جان دهد. اینکه الزاماً به يك شیوه خاصی ارجحیت دهیم درست نیست. در کار خودمان تصمیم استفاده از تکنیک سایه ای را نداشتیم، اما به مرور دریافتیم که بخشی از نمایش در این تکنیک قابلیت اجرایی دارد.

□ این جشنواره و حرکت جشنواره ای را چگونه ارزیابی می کنید؟

○ زمان برگزاری جشنواره زمان مناسبی است. دانشجویان می توانند از جشنواره استفاده کنند. فصل، فصل تئاتر است و جنبش مناسبی را دربر دارد. در جشنواره بین المللی بدون در نظر گرفتن مناسبتهای غیرهنری در صورتی که اجراها از نظر تکنیکی و محتوایی ضعیف نباشند باید شرکت کنند. اگر طیف حضور گروه ها وسیع تر باشد مسلماً انتقال تجربه ها بیشتر و رشد بیشتری هم صورت خواهد گرفت. نباید جشنواره را به جغرافیای خاصی محدود کرد. هنر باید انعکاس دهنده نیازهای بشر باشد.



و با هر فرمی زابیده آرزوها، خواسته ها و نیازهای بشر است. آنچه در وجود بشر به کمپلکس تبدیل شده از جنبه روانشناسی می تواند نوعی انرژی و پتانسیل در ناخودآگاه او را به وجود آورد. در واقع عروسک تصویری از تصورات بشر است.

□ چرا کودکان با عروسک و دنیای عروسکها بیشتر ارتباط برقرار می کنند؟

○ در زندگی کودک بازی نقش اساسی دارد. هرچند که انسان تا پایان عمر حتی در سن کهنسالی هرگز نمی تواند خودش را از کودکی جدا کند. حتی زمانی که بزرگتر می شود نیاز به بازی از بین نمی رود. کودک با فضاهای غیرواقعی و فضاهای تخیلی بیشتر ارتباط دارد. بسیاری از چیزها که نمی تواند در زندگی بزرگترها اتفاق بیفتد برای کودکان سهل الوصول است. برای بزرگسالها بال درآوردن فردی و پرواز آن غیرقابل باور است؛ اما برای کودک امری قابل تصور است. این عمل برای کودک خنده دار نیست، حتی واقعیت دارد؛ اما برای بزرگسالها جنبه ذهنی دارد. کودکان با کمترین امکانات شرایط بازی را می سازند. در فضای کودک یک تکه



□ ریخت و فرم اجرایی و محتوای کار شما به چه نحوی پی ریزی شده است؟

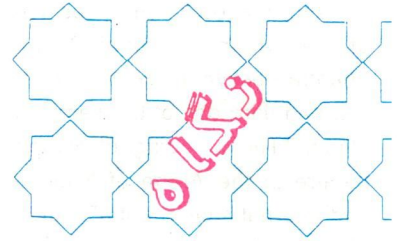
○ انتخاب تکنیک عروسکی برای این متن از چند جهت صورت گرفت: ۱- تابع معنا و محتوای کار است ۲- چون فضای يك فضای نسبتاً فانتزی است و چون کار عروسکی قابلیت جان دادن به فضاهای فانتزی را دارد به این تکنیک روی آوردم. از لحاظ تکنیکی بخشهایی به صورت سایه، بن راکو و ترکیبی از عروسک و انسان بکار رفته است. در انتخاب شیوه اجرایی سعی کردیم به طرف «استیلیزاسیون» برویم. در زمینه محتوا به عنوان يك نویسنده هرگز دوست ندارم به طور مشخص و صریح معنا و محتوای نوشته هایم را بیان کنم؛ اما در تمام آثارم چیزهایی را نوشته ام که به آن اعتقاد دارم. سعی کرده ام مضمونهایم تاریخ مصرف نداشته باشد حتی جغرافیا و زمان مشخصی را دربر نگیرد.

□ ساخت و شکل عروسکهای شما به چه نحوی است؟

○ از آنجا که در این کار مسئله اصلی موقعیت انسان امروز است در ساخت عروسکها از مونتاز و وسایل روزمره زندگی استفاده کردیم. برای من زیبایی و زینتی شدن عروسکها مطرح نبوده است؛ بلکه عروسک برای من از جهت میزان کاربرد در صحنه و ارائه مفاهیم مورد نظرم ارزشمند بوده است. در این کار از نمادها و نشانه هایی استفاده می شود که تماشاگر می تواند با آن ارتباط برقرار کند و از لایه لایه نشانه های موجود در اجراست که به محتوای کار پی می برد؛ این سعی ما بوده است؛

□ ریشه تئاتر عروسکی را در کجا می بینید؟

○ ارتباط عروسک با آیینها را باید پذیرفت. به نظر من عروسک در هر شکلی



درباره خروس شجاع



احمد مهدی- کارگردان

سالن، امروز بسیار شلوغ بود و نتوانستیم با آرامش خاطر از نمایش استفاده کنیم. نمایش از سستان آن طور که ما انتظار داشتیم، نبود. ساخت عروسکها چیزی نداشت تا بچه ها جذب آن شوند. رنگ آمیزی شدید و غلیظ اطراف صحنه عروسکها را محو کرده بود.

قصه خوبی را مطرح می کردند؛ ولی سراسر آن دیالوگ بود. بالا و پایین رفتن پرده از مواردی بود که تماشاگر را بسیار عذاب می داد. خیلی ها نمایش را در حین اجرا رها کردند و به بیرون رفتند. از تمام کارهایی که دیده ام کار اسپانیا بهترین بوده است؛ تکنیک و عروسکهای بسیار خوبی در کار استفاده شده بود.

محمود فرهنگ (نویسنده و کارگردان نمایش رویای صادق)

نوع عروسکهایی که در این نمایش به کار رفته بود با سالن هیچ سنخیتی نداشت؛ فاصله تماشاگران با عروسکها بسیار زیاد بود. و با توجه به تکنیک قوی و زیبایی که در ساخت عروسکها به کار رفته بود، به هیچ وجه تماشاگران ریزه کاریها و تکنیکها را نمی دیدند. رنگ آمیزی کار بسیار زیبا و قشنگ بود به کار گیری عروسکها به شیوه دو دست و موسیقی توانست تا حدودی نمایش را نجات دهد.

کوروش نریمانی (فارغ التحصیل تئاتر)

قصه بسیار قشنگی داشت. استفاده از رنگهای شاد بسیار صحیح و منطقی بود.

هادی مجیدی

سبک کار بسیار عالی بود. کار ارمنستان کار تمام و کمال بود.

رودساز

چیز خاصی برای گفتن نداشت. توقع ما از گروه ارمنستان بیشتر از اینها بود. این کار در حد کارهای پیش پا افتاده تلویزیون خود ما بود به کارگیری دست به تنهای، تنها تمهید کار ارمنستان بود. تمام تماشاگران در سالن مشغول کار دیگری بودند و اصلا به نمایش توجه نمی کردند. رنگ آمیزی نمایش بسیار مناسب بود.

تا جشنواره ای دیگر

بودند.

هفت روز در کنار هم بودیم سرشار از شادی و نشاط با عروسکهای شوق انگیز و مهربان. جشنواره چه خوب است، به آنها فرصت می دهد تا تجربه هایشان را بهم منتقل کنند، دانسته هایشان را افزون سازند و شادبهایشان را با هم قسمت کنند.

در این جشنواره هر کس از شادی سهمی داشت، چه آنها که بر صحنه بودند چه آنها که به عنوان تماشاگر یا مجری، جشنواره را رونق بخشیدند.

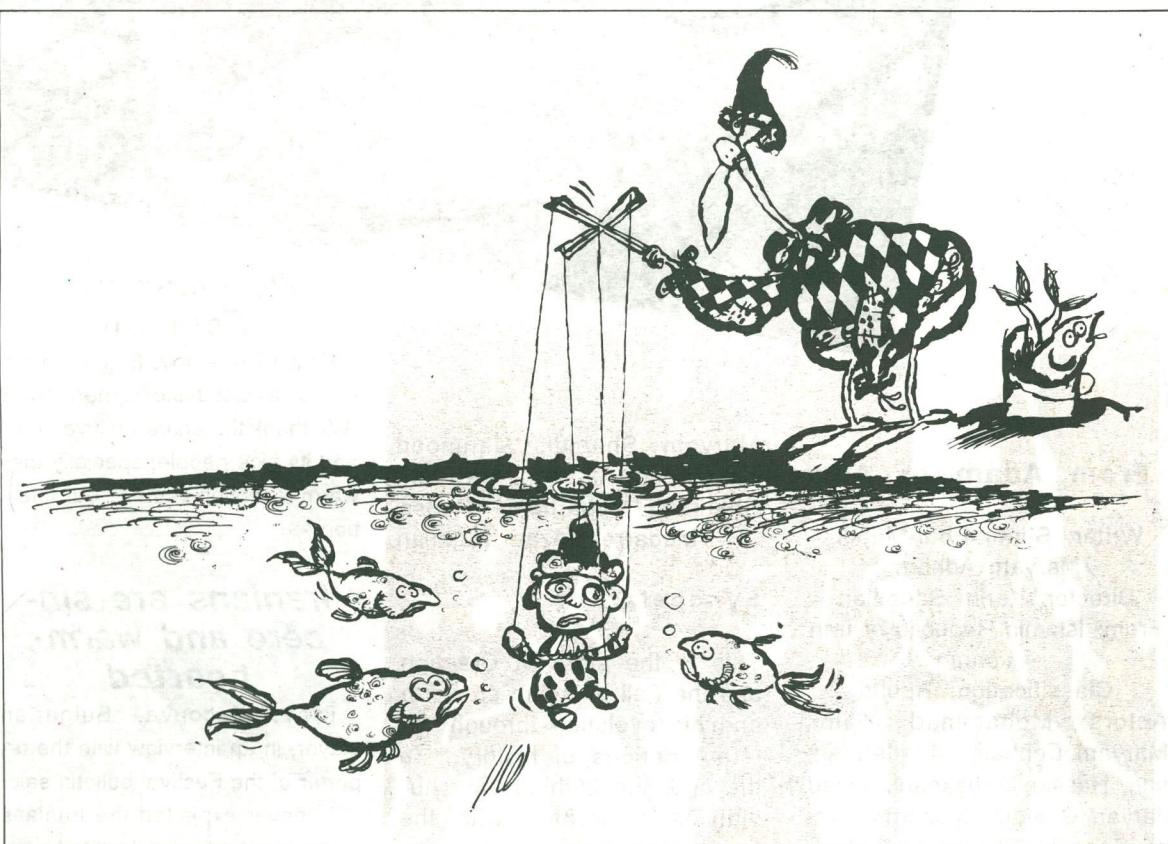
جشنواره جشن «مبارک» بود، جشن هنرمندان جشن «ژن» یا «ترنس»، و «از آدم تا آدم» و همه خوبیهای دیگر. جوایز و هدایا فقط وسیله تقدیرند، اما نشست ها درد دلها و اجراها، تبادل افکار و اطلاعات و خنده ها و شادبها همه خاطره اند. خاطره ها را زنده نگهداریم. با عروسکها در دنیای زیبای بچه ها زندگی کنیم و بذر مهربانی و عطفیت بهایشیم.

جشنواره زیباست پاسدار زیبایی ها باشیم.

پایان آمد این دفتر...

آفتاب نشست، اری گفته بودیم که از هشت تا دوازده صفحه و از دوازده صفحه تا هزار، هزار خاطره پیش خواهیم رفت و رفتیم با هم کنار بخت یگانه شدن، یکی شدن بی نام و نشان از اینهمه، نشستیم بتماشای آنچه که گذشت... گویا گلایه ها هم بود، و ایرادها، اما سفر و عشق است به نان محبت و قانع ایشار که مهربانی حرفی است که در آن «هفت» جشنواره آموختیم که آشتی کنیم از آن سوی مرزها و صلح را به جهان نوید دهیم.

مهربانی کنیم از این سوی مرزها که محبت را صلا در دهیم که جهان فانی را غیرت ماندن نیست- شتابی که جهان باقی را باید که غلغله عشق است بر ضیافت معشوق. با صلح و صفای محبت به پایان می بریم این دفتر را...



International Puppet Theatre will be held in Tehran every 2 years

Mehdi Masoudshahi, President of the 5th International Puppet Theatre Festival of Tehran, in the last and third day of the seminars titling, "The standing of Puppet theatre in the Arena of National and International Theatre", during his speech, gave recommendations to the President of UNIMA-International. They were as follows: "development of cultural exchange between the membering countries in UNIMA through establishing a centre or permanent Head Office, that can collect necessary informations to offer to its members. This initiative could be the first step for regional activities and is expandable to a world-wide activity. In this regard, the center for Dramatic Arts is willing to take charge of the audio-visual, and publishing section".

In other parts of his speech he announced that the International Puppet Theatre Festival will be held in Tehran every 2 years.

Next meeting of UNIMA-Asia and Oceania in Iran

Mr. Dadi Pudumjee, President of UNIMA-Asia and Oceania, during his speech at the Seminar, the standing of Puppet Theatre in the Arena of National and International Theatre, announced that the next meeting of UNIMA-Asia and Oceania will be held in Iran.

Expanded relations of UNIMA-Iran with the UNIMA-International

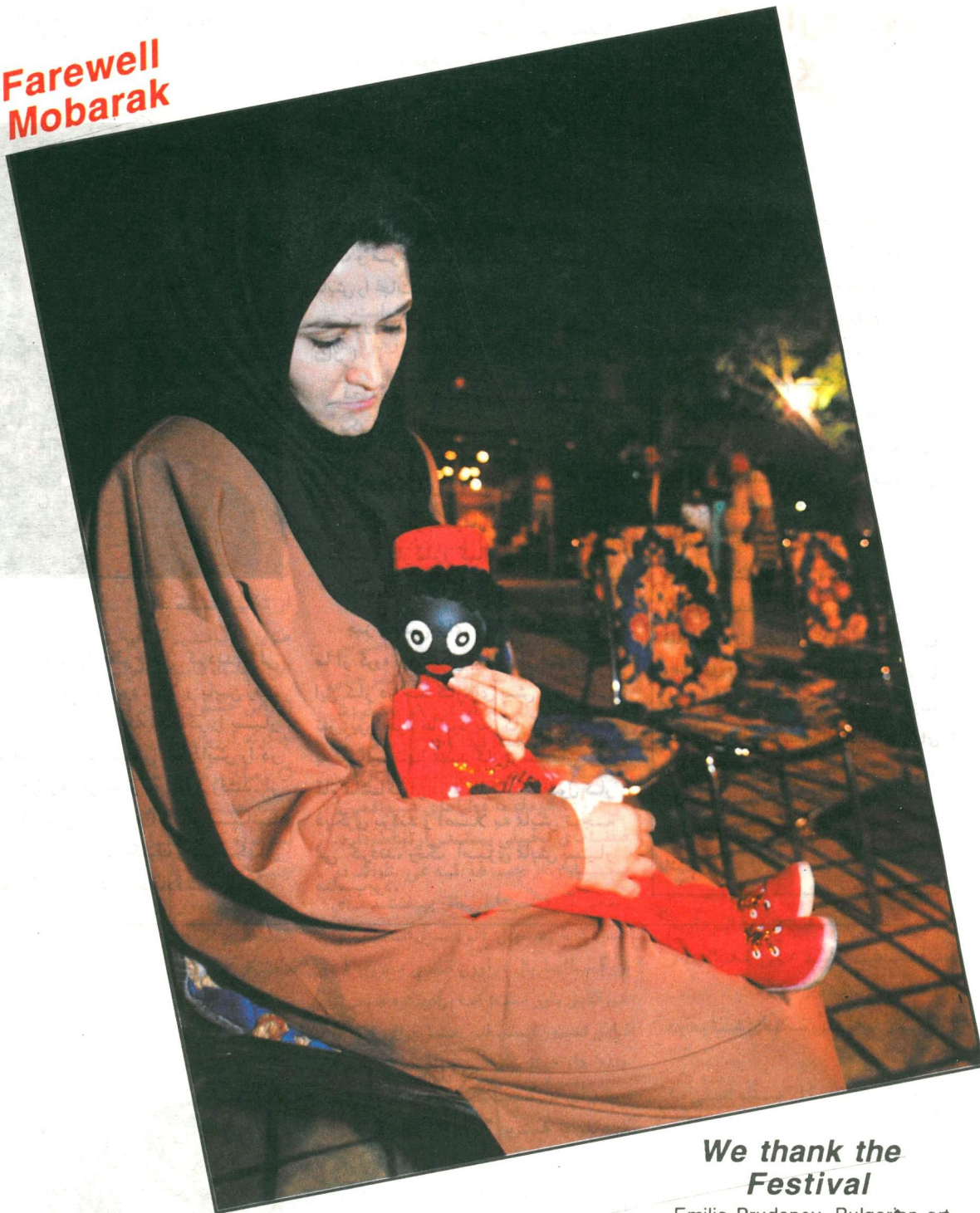
In a meeting with the participation of Ms. Sirppa Sivori-Asp, President of UNIMA International; Mr. Dadi Pudumjee, President of UNIMA-Asia and Oceania; Behrooz Gharibpoor, Vice President of UNIMA-Iran; and Dr. Mokhtabad, Director of the International Relationships of the Puppet Festival in Iran, various methods of strengthening and expanding the communication of UNIMA-Iran with the International UNIMA in different dimensions of research and training, and Iran's presence in a world-wide arena, were discussed.

MOBARAK 7



Daily Bulletin of the 5th International Puppet theater 11 Sep. 1994

Farewell Mobarak



From Adam to Adam

Writer: Shadi Poor-Mahdi,
Maryam Adhami

Director: Karim Saeedian
From: Islamic Republic of Iran
- Tehran

Classification: Adults

Actors: Mohammad Alami,
Maryam Eghbali, Azadeh Ansari,
Hassan Aghakhani, Javad Jaryan
Ghalem, Mohammadreza Saeedian,
Hossein Shafeei,

Maryam Shahidi, Mahmood Emadpoor,
Afsaneh Alizadeh, Shahrzad Mobarhan,
Parisa Modarres, Azam Najafian

Synopsis:

This is the story of Creation and the Fall of Adam on Earth and his evolution through different periods of history. In the end, the 20th century human is confronted with the new technologies and...

We thank the Festival

Emilia Prudenov, Bulgarian artist, in a discussion, mentioned: "We thank the entire Festival, Iran, and its nice people; specially their warm reception came to our attention."

Iranians are sincere and warm-hearted

Tanya Jecouva, Bulgarian player, in an interview with the reporter of the Festival bulletin said: "We never expected the Iranians to be so sincere and warmhearted".